

روزهایی که رفت و روزهایی که می آیند

شاید این قصه سر آید، شاید...



وحید قرایی

"۸۰ درصد جرائم استان کرمان اقتصادی است." جمله‌ای قابل تأمل از سوی یکی از بلند پایگان قضایی در کرمان که بایستی خیلی‌ها را به فکر فرو برد و این سوال را برایشان پیش بیاورد چرا اقتصاد این چنین به پاشنه آشیل تبدیل شده است و قربانی می‌گیرد؟

دادستان کرمان مردادماه امسال بود که به این مساله پرداخت و صراحتاً بیان کرد: "متأسفانه استان کرمان از جرائم اقتصادی رنج می‌برد و بخشی از این جرائم نیز به دلیل فقر و نبود وضعیت اقتصادی مناسب افراد است."

دادخدا سالاری در حالی به این موضوع مهم پرداخت که از آغاز به کار خود در این مقام با آگاهی نسبت به این پاشنه آشیل تلاش نمود بررسی و جلب توجه عمومی به این موضوع را در دستور کار خود قرار دهد. آنجا که در اولین گفت‌وگوهای رسانه‌ای خود به جرائم یقه سفیدها توجه ویژه‌ای نشان داد و از برخورد جدی با چنین جرائمی خبر داد. اما شاید کهنه سخنان دادستان بر مبنای افزایش جرائم و مصیبت‌های ناشی از وضعیت بد اقتصادی بخشی از جامعه است که آنها را به کشیدن چک بلامحل و سرقت و جعل و خرده کلاهبرداری و حتی فروش مال دیگران کشانده است. جرائمی که نه تنها به وضعیت فرهنگی و اجتماعی که مستقیماً به وضعیت اقتصادی جامعه مربوط می‌شوند. جایی که رکود اقتصادی و بیکاری و عدم امکان ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، وضعیت اقتصادی را به جایی می‌کشاند که بعضی‌ها به فکر میان‌برهایی بیفتند تا چاله‌های عمیق اقتصادی خود را پر کنند. بماند که شرایط بد اقتصادی خیلی خانواده‌ها را به فروپاشی می‌کشاند و آمار بالای طلاق به دلیل مسائل و مشکلات اقتصادی نمونه‌ای از آن است که خود تبعات اجتماعی غیر قابل چشمپوشی دارد.

در این حال نکته اما اینجاست که نوعی دیگر از جرائم مرتبط با اقتصاد به نوعی کاتالیزور تشدید شرایط نامناسب اقتصادی است. اختلاس‌های گسترده‌ای که در سال‌های گذشته انجام شد و سوء استفاده‌های مالی که حتی به برخی مقامات اجرایی نیز تسری یافت و در اقتصاد کشور اختلال اساسی به وجود آورد توانست بر جو اقتصادی و اجتماعی کشور تأثیر منفی زیادی بگذارد. بسیاری بر این عقیده بودند که فضای ناشفاف اقتصادی در

زمان گسترش تحریم‌ها، شرایط نامناسبی حاکم کرد که ظهور پدیده‌هایی چون بابک زنجانی نتیجه آن بود. پدیده‌هایی که باعث شد جرائم نظیر سرقت‌ها و خرده کلاهبرداری‌ها در مقابل اعداد و ارقام اختلاس‌ها و سوء استفاده‌های بزرگ به چشم نیاید و حتی شمارش صفرهای مقابل اعداد پول‌های اختلاس شده به کاری دشوار تبدیل شود! ماجرا هر چه بود نشانه‌های خوبی با خود نداشت که افزایش غیرقابل مهار شکاف اقتصادی نمودار شده در جامعه بخشی از این نشانه‌ها بود. عده‌ای با استفاده از رانت‌های مختلف روز به روز از لحاظ مالی فربه‌تر می‌شدند در حالی‌که بخش دیگری از جامعه در فشار تورم روزافزون و رکود ناشی از سیاست‌های اقتصادی در دوران تحریم روز به روز بیشتر سر خم می‌کردند.

بعدها اما با گذشت چند ماه از صحبت‌های دادستان کرمان، به برجام رسیدیم و فرجامی دیگرگون از لحاظ برنامه‌ریزی‌های اقتصادی که می‌توانست و می‌تواند نوید بخش باشد. نوید بخش سوق یافتن برنامه‌های اقتصادی به سمت شفافیت بیشتر و امکان بیشتر برای رونق. حالا دیگر می‌توان بیش از هر زمانی روی بهبود شرایط سرمایه‌گذاری خارجی و گذر از محدودیت‌های اقتصادی زمان تحریم حساب کرد و به روزهای بهتر اقتصادی برای مردم فکر کرد. روزهایی که اقتصاد ایران حساب و کتاب بیشتری دارد و نگرانی از به چالش کشیده شدن سرمایه‌گذاری‌ها کمتر می‌شود. مشاغل پایدارتر می‌شود و شهروندان می‌توانند روی پول خود حساب بیشتری بکنند. اما این تغییر شرایط برنامه ویژه هم می‌خواهد. نمی‌توان همه چیز را به قضا و قدر سپرد. نمود و نتیجه این برنامه‌ریزی‌ها رانیز بایستی در راهروهای دادگاه‌های حقوقی و دادسراها دید. جایی که در دوره رونق و شفافیت و کوچکتر شدن شکاف‌های اقتصادی می‌توان به خلوت شدن نیز امیدوار بود و اینکه چه اختلاس‌گران عمده و یقه سفیدها و چه خرده سارق‌ها و خرده کلاهبردارها را کمتر در آن دید. مردم کمتر از گذشته به دنبال حقوق مسلم و چک‌های برگشت خورده خود در دادگاه‌ها بدوند و از حجم پرونده‌هایی که در شرایط نامناسب اقتصادی گریزی از تشکیلشان نیست کاسته شود... شاید سالی دیگر در همین ایام، بلندپایگان قضایی از این موضوع سخن بگویند و کاهش حجم پرونده‌های مجرمانه‌ای که با اقتصاد مردم مرتبط است... شاید.

* وکیل دادگستری / روزنامه‌نگار

